

فیشها و مقالات مرتبط با کلیدواژه «حیات طیب»

سخنرانی در مراسم بیعت ائمه جمیع، روحانیون، مسوولان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اقشار مختلف مردم و خانواده‌های معظم شهدای استانهای بزد و کوکبلوه و بویراحمد / ۱۳۶۸/۰۴/۱۱

به خاطر داشته باشید که اهداف مشخص ما، در اسلام خلاصه می‌شود. اسلام فقط یک اعتقاد نیست؛ اسلام زندگی طبیعی انسانهاست. وقتی از حیات و نظام اسلامی صحبت می‌کنیم، منظور ما نظام و حیات طبیعی است که همه‌ی خیرات مورد علاقه‌ی انسان در آن وجود دارد؛ هم رفاه مادی و امنیت اجتماعی و روحی تامین می‌شود، و هم صفات معنوی و دانش و بینش و تحقیق و تعبد و خلوص و توجه به خدا مشاهده می‌گردد. اسلام این موهاب را به ما می‌دهد. اسلام نتشان داده است که می‌تواند از مردمی که به او اعتقاد دارد و براساس تعالیم او زندگی می‌کنند، دفاع کند. درست است که دشمنی قدرتها عالم با ما، به خاطر اعتقدات اسلامی ماست؛ «و ما نقوموا منهم الا ان يؤمنوا بالله العزيز الحميد»، اما حصار محکم و سنگر بزرگی که می‌توانیم در آن قرار بگیریم و از حیثیت و شخصیت و هویت خوبی دفاع کنیم و برای خود حیات طبیه فراهم آوریم، همین اسلام است، هدف و راه ما مشخص و روشن است و ما برای پیمودن این راه، هیچ چیز کم نداریم. اگر ایمان و حرکت و عمل لازمه‌ی رسیدن به هدف است، خدای متعال دلهای ما را به نور ایمان خودش منور کرده و این توفيق را به ملت ایران داده است که در حرکت و عمل خود، سختیها را تحمل کنند و از مواعظ نهراستند.

سخنرانی در مراسم بیعت ائمه جمیع، روحانیون، مسوولان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اقشار مختلف مردم و خانواده‌های معظم شهدای استانهای بزد و کوکبلوه و بویراحمد / ۱۳۶۸/۰۴/۱۱

بارها به مردم عزیزان که دلهایان پر از امید و ایمان است، گفتگام که نسبت به آینده هیچ تردید و نگرانی‌یی ندارم، ملت ما به فصل پروردگار خواهد توانست حیات طبیعی اسلامی را که دنیا و آخرت و ماده و معنا و علم و عبادت و رفاه در آن جمع شده است، به وجود آورد. اگر توانستیم چنین جامعه و نظامی را تشکیل دهیم، آن روز شکست واقعی را برای دشمنان جهانی اسلام ایجاد کرده‌ایم.

سخنرانی در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم استانهای اسلام و فارس و گروهی از طلاب باکستانی / ۱۳۶۸/۰۴/۱۲

انقلاب ما دارای دو بعد بود؛ بعد داخلی و بعد خارجی. در بعد داخلی، ملت فدکار ایران زندگی دست‌ساخته‌ی فرهنگ غرب و آلوهه به فساد قدرتها استکباری را به زندگی اسلامی - که آرزوی همه‌ی مردم ایران بود - تبدیل کرد. در این بعد، پیش‌رفته‌ای بسیار جشمگیری هم بدیدار شد. امروز روحیات و اقیانیت زندگی ملت ایران، با آنچه که قبیل از پیروزی انقلاب وجود داشت و دستهای استعماری روی آن کار کرده بودند، تفاوت‌های بسیار زیادی دارد. البته نمی‌گوییم که امروز زندگی ما کاملاً اسلامی است؛ ولی معتقد‌یم در مقایسه با گذشته، به مراتب به زندگی اسلامی نزدیک شده‌ایم و باید تلاش کنیم که باز هم نزدیکتر شویم. زندگی و حیات طبیه‌ی اسلامی، یعنی سعادت دنیا و عقبی و رفاه مادی و تعالی معنوی، نقلاب ما این حرکت را در کشور به وجود آورد و دست قدرمند الهی رهبر و امام بزرگوار آن را به پیش برد، و از این جهت امروز بحمدالله در دنیا ملتی نمونه هستیم.

یام به مجمع بزرگ فرماندهان سیاه و سیاه / ۱۳۶۸/۰۴/۲۶

به آحاد نیروهای سییجی تاکید می‌کنم که جدایی آنان از سازمان متبعشان - یعنی سیاه پاسداران انقلاب اسلامی - هرگز به معنای بریدگی از صحنه دفاع نظامی و غرق شدن در زندگی شخصی یا شغلی نیاشد. حیات طبیه‌ی آنان به این است که رابطه‌ی روحی و سازمانی را در حد اعلای ممکن حفظ کنند.

سخنرانی در دیدار با جمیع کشی از اقشار مختلف مردم فم، به مناسبت فرارسیدن ۱۹ دی ماه (سالیور قیام مردم فم) / ۱۳۶۸/۱۰/۱۹

هدف ما ملت مسلمان ایران که پشت سر امام بزرگواران حرکت و انقلاب کردیم و مردم جان و خون دادند و متحمل رنجها و مصائب شدند، چه بود؟ هدف از همه‌ی این جریانات عظیم که به هدایت الهی، از روز اول تا امروز بیش رفته است، عبارت بود از این‌که در این کشور و در این خانه‌ی اسلام، حیات طبیه‌ی اسلامی تحقق پیدا کند. ما خواسته‌ایم که در میان طلمات جاھلیت قرن بیست، خورشید فروزان اسلام را به درخشش درآوریم. ما خواسته‌ایم در هنگامی که نسلهای بشر، از مکتبهای گوناگون - از سرمایه‌داری پلید غرب تا کمونیسم ملحد شرق - دلزده شدند، بتوانیم مکتب حیات‌بخش و راه زندگی سالم و مطلوب و شیرین را به بشر نشان بدیم و آن، حیات طبیه‌ی اسلامی است. تقریباً در طول این بازده سال، هرچه در هر قسمی که ما در راه اسلام بیش رفیم، در همان قسمت زندگی شیرین شده است و در هر بخشی که توفیق پیدا نکردیم در جهت اسلام حرکت بکیم، در آن بخش زندگی سخت و تنگ و تلح باقی مانده است. حیات طبیه، یعنی زندگی‌یی که کام انسان را شیرین کند و انسان با آن زندگی، احساس آرامش و آسایش نماید. ما در تشکیل نظام اسلامی و دولت و حاکمیت اسلامی، به اسلام نزدیک شده‌ایم و ارزشها را - تا آن حدی که برای ما مقدور بود - در حکام و زمامداران رعایت کرده‌ایم. در این بخش، به همین اندازه زندگی شیرین شد.

سخنرانی در دیدار با جمیع کشی از اقشار مختلف مردم فم، به مناسبت فرارسیدن ۱۹ دی ماه (سالیور قیام مردم فم) / ۱۳۶۸/۱۰/۱۹

ما باید خود را به سرجشمه‌ی اسلام برسانیم تا زندگی به تمامی شیرین شود. قرآن کریم می‌فرماید: «الذین ان مکنامه فی الارض اقاموا الصلوه و انوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر». من می‌خواهم این واجب فراموش شده‌ی اسلام را به یاد شما و ملت ایران بیاورم: امر به معروف و نهی از منکر، همه‌ی آحاد مردم باید وظیفه‌ی امر کردن به کار خوب و نهی کردن از کار بد را برای خود قابل باشند. این، تضمین‌کننده‌ی حیات طبیه در نظام اسلامی خواهد بود. عمل کنیم تا آثارش را بینیم، امر به معروف، یک مرحله‌ی گفتن و یک مرحله‌ی عمل دارد. مرحله‌ی عمل، یعنی اقدام با دست و با زور. این مرحله، امروز به عهده‌ی حکومت است و باید با اجراء‌هی حکومت انجام بگیرد ولاغير. اما گفتن با زبان، بر همه واجب است و همه باید آن را بدون ملاحظه انجام بدهند.

سخنرانی در دیدار با گروههای مختلف مردم و میهمانان خارجی، شرکت‌کننده در مراسم دهه‌ی فجر و کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی / ۱۳۶۸/۱۱/۱۲

هدف از همه‌ی مبارزاتی که ملت ایران به رهبری امام بزرگوار انجام داد تا انقلاب به پیروزی رسید و همه‌ی تلاش‌هایی که بعد از پیروزی انقلاب در این کشور انجام شد، تشکیل حیات

طیبی اسلامی بود. اسلام برای انسان، روش زندگی مناسب و لایقی قابل است. اگر تنها این شرایط محقق شد، انسان می‌تواند به سعادت و کمال برسد. تلاش همه‌ی دلسوزان پسر و راهنمایان بزرگ انسان و انبیا و عظام و اولیا و مجاهدان فی‌سبیل‌الله در طول تاریخ، این بوده است که این حیات طبیه را برای بشر به وجود آورند. از طرف دیگر، سعی همه‌ی دشمنان انسان و شیاطین و طواغیت آن بوده است که بشر را از این حیات طبیه دور کنند. لذا عنصر ایمان و دشمنی با شیطانها و طاغوتها، از اجزاء اصلی دعوت همه‌ی پیامبران بوده و عمل پیامبر اسلام (صلی الله علیه و‌آل‌ه وسلم) هم بر این نکته قرار داشته است.

سخنرانی در دیدار با گروههای مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه‌ی فجر و کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی / ۱۳۶۸/۱۱/۱۲

ما به‌حاطر تحقیق حیات طبیه اسلامی، نه فقط برای خودمان، بلکه برای بشریت مبارزه می‌کنیم. معنای این حرف، این نیست که ما می‌خواهیم لشکرکشی کنیم تا بینیم ایادی استکبار در کجا حیات طبیه بشری را نقض کرده‌اند و با آنها بجنگیم! این جنگ، از این مقوله نیست. سعی ما در پایگاه اسلام این است که ثابت کنیم بشریت در زیر سایه سنگین و خبیث حاکمیت کنونی استکبار بر عالم، رنج می‌کشد و روزی‌روز به بدیختی نزدیکتر می‌شود و اسلام می‌تواند بشر را نجات بدهد. ما ثابت کردیم و ثابت خواهیم کرد که اسلام می‌تواند با قدرت‌های بزرگ عالم مواجه شود و نظام طالمانه‌ی دنیا را به هم بزند. استکبار هم روی همین نکته حساسیت دارد.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران / ۱۳۶۸/۱۱/۲۰

ما در راه اسلام و زندگی و حیات طبیه اسلامی برای شما مردم و جامعه اسلامی در دنیا، از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنیم و هیچ عاملی هم به فضل بپروردگار نخواهد توانست ما را از این صراط مستقیم و خط روش منحرف کند. مهم این است که تمیک به اسلام را حفظ کنیم و از دشمنان خدا و اسلام واهمه نکنیم و نترسیم. این درس را از امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) و از شاگرد و فرزند شایسته او - امام عزیزمان - گرفته‌ایم و آنها این خط را برای ما ترسیم کردند و انشاالله پیش خواهیم رفت.

سخنرانی در دیدار با گروهی از آزادگان، جمعی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، مسوولان احراری و نمائندگان مجلس شورای اسلامی و ائمه‌ی جمعه‌ی استانهای کرمانشاه، بزد و خوار محال و بختیاری، و گروهی از مردم شهرهای کرمان، کنید، محلات، کتوند، شوشتر، سبیدان، تهران، شیرواز و جهرم / ۱۳۶۹/۰۸/۰۲

در نظام و حیات طبیه اسلامی، هر حرکتی که مومن انجام می‌دهد، باید با همین فکر باشد که این حرکت و این گفتار، پیش خدا محفوظ است و به سراغ ما خواهد آمد. هیچ‌کدام از این گفته‌ها و کرده‌ها و حرفها و سکونها و حرکتها و سکونها و رفتن و نرفتنها و فداکاری کردن و فداکاری نکردنها و هواز نفس را زیر پا نگذاشتند، زیر پا نگذاشتند، فانی و زایل نشده، بلکه همه موجود است. روز قیامت، وقتی این صفحه‌ی اعمال را باز می‌کنند و انسان نوار را در مقابل خود می‌بیند و مشاهده می‌کند که همه جیز در او هست، آنوقت کسی که در دنیا این حقیقت را نفهمیده، به آن ایمان نیاورده و از آن غفلت ورزیده است، تعجب می‌کند و می‌گوید: «ما لهذا الكتاب لا يغادر صغیره ولاكبیره الا اصحابها». عجب پرونده‌ی است! جب نوار زنده‌ی است! کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته، مگر این‌که آن را احصا کرده است.

سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضاع / ۱۳۷۰/۰۱/۳۹

مطلوبی که امروز عرض خواهیم کرد، یک مساله‌ی اساسی اسلامی است که در آیات کریمه‌ی قرآن از آن یاد شده است و ما ملت ایران باید به آن توجه دایمی داشته باشیم، و آن عبارت از حرکت به سمت حیات طبیه‌ی الهی و اسلامی است: «با اهل‌الذین امنوا استحببوا اللہ و للرسول اذا دعاکم لاما يحببكم». خدا و پیامبر، شما را به زندگی و مایه‌ی حیات طبی و پاکیزه دعوت می‌کنند. حیات پاکیزه، فقط خودرن و لذت بردن و شهوت‌رانی نیست؛ این‌که دعوت خدا و رسول را نمی‌خواست، نفس هر انسانی، او را به زندگی حیوانی دعوت می‌کند. همه‌ی حیوانات دنیا غذا و اطفالی شهوت حرکت می‌کنند و برای شکم و ساعتی بیشتر زنده ماندن، می‌کنند. حیات طبیه، عبارت از این است که این زندگی در راه خدا و برای رسیدن به هدفهای عالی بآشید. هدف عالی انسان فقط این نیست که شکمی را به هر شکلی پر کند؛ این کمترین چیزی است که یک حیوان می‌تواند به عنوان هدف خود انتخاب کند. برای انسان، هدف اعلیٰ عبارت از وصول به حق، رسیدن به قرب باری تعالیٰ و تخلق به اخلاق‌الله است. انسان برای رسیدن به آنچنان هدفی، ایزراههای مادی و معنوی را لازم دارد. غذا لازم است، اما برای این‌که انسان به سمت هدف حرکت کند، زندگی راحت برای بشر لازم و ضروری است و اسلام با قوانین و مقررات خود، انسانها را به سمت رفاه و آسایش زندگی می‌برد؛ اما این آسایش زندگی، به خودی خود هدف نیست. ای بسا انسانهایی که زندگی راحت دارند، دغدغه‌ی معاش و شکم و آسایش ندارند، اما از انسانیت هم بوبی نبرده‌اند. تمدن‌های مادی، بشر را به آن زندگی دعوت می‌کنند؛ البته دروغ هم می‌گویند. در نظامها و کشورهایی که زندگی را با ایزراههای پیشرفته و با علم مادی می‌گذرانند، آسایش زندگی متعلق به همه‌ی مردم نیست؛ به یکدیه از مردم اختصاص دارد. امروز در کشور امریکا، در کشورهای پیشرفته‌ی اروپا، گرسنگی، فقر، مردن از کمبود مواد غذایی، نداشتن سرینا و مسکن، نامنی حتی برای یک زندگی حیوانی، فراوان است. آن کسانی که از تکنولوژی و دانش جدید در این کشورها استفاده می‌کنند، طبقه‌ی خاصی از مردمند. آنها که برای یک شکم غذا مجبورند شرف و ناموس و شخصیت خودشان را بفروشند و انواع اهانتها را تحمل کنند، توهی عظیمی از مردمند. این، واقعیت قضیه است. طواهر، پرزرقو ورق و پرچلوه است. دوربین تلویزیونها و خبر خبرگزاریها چیزهایی را به عنوان تبلیفات به مردم دنیا ارایه می‌دهد که بزرقو ورق و چشمگیر است. اگر تمدن غربی، با این همه پیشرفت علمی، پیمودن فضا، تروتهای عظیم مادی‌بی که در اختیار دارد و از کشورهای جهان سوم و فقره دزدی و غارت کرده است، ادعا بکند که فخر را در کشورهای پیشرفته برانداخته، دروغ گفته است. پس، تمدن غربی، همان زندگی مادی راحت و بخوددار از رفاه را هم نمی‌تواند به همه‌ی انسانها بدهد. نظام اسلامی، علاوه بر این‌که هدفهایی بالاتر از هدفهای مادی دارد - یعنی در نظام اسلامی، یک انسان فقط با بر شدن شکم خوشیخت نیست؛ باید زندگی مادی و رفاه و امنیت او تأمین بشد - همچنین اصرار دارد که روح و دل انسان می‌باید از یک صفا و تلال و نورانیت و برادری و فداکاری نسبت به انسانهای دیگر و عبودیت و بندگی و اخلاص نسبت به خدای متعال برخوردار باشد. اسلام و سایر ادیان الهی، این را برای مردم می‌خواهند. پس، هدف بالاتر از مادیات است؛ اما مادیات را هم که اسلام تامین می‌کند، برای عموم مردم تامین می‌کند. یعنی در جامعه‌ی اسلامی، همه‌ی انسانها باید از رفاه، آسایش، امنیت و زندگی کافی برای آسایش خیال برخوردار باشند؛ که نه در تمدن مادی غرب چینی چیزی وجود دارد و هرگز وجود نخواهد داشت، و نه در تمدن و نظام سوسيالیستی و کمونیستی، که دیدید به چه سرنوشتی دچار شد. نمونه هم صدر اسلام است و برای رسیدن به آن، احکام‌الله و اسلامی کافی است. اگر ما به احکام اسلامی عمل بکنیم، اگر چامعه‌ی اسلامی، ایمان اسلامی را همراه با تکامل و پیشرفت و عروج معنوی، بشر حیوان نیست که علف‌جلوی او بزیند و برایش کافی باشد. انسان می‌خواهد با صفا و نورانی باشد. انسان از نورانیت و صفا و بندگی خدا احساس لذت روحی می‌کند. شما و قنی عبادت می‌کنید، دعای را با حال می‌خوابید، نمازی را با توجه اقامه می‌کنید، اتفاقی به یک مستحق می‌کنید، یعنی آسایش و رفاه مادی همراه با تکامل و پیشرفت و عروج معنوی. بشر حیوان نیست که طعم بندگی خدا را چشیده‌اند - که هر انسان می‌بینید چه لذتی می‌برید و چه حالت احتیاط‌آمیز به شما دست می‌دهد. این لذت را با خوردن نمی‌شود به دست آورد. انسانهایی که طعم بندگی خدا را چشیده‌اند - این انسان مونمی در طول زندگی، کموبیش حالات این‌طوری برایش پیش می‌آید؛ بعضی کم، بعضی زیاد - در آن لحظه‌ی توجه به خدا، عبادت خدا، مناجات، گریه برای خدا و در مقابل خدا، لذت احساس می‌کنند که حاضرند دنیا و مافیها را بدهنند. برای آن‌که این لذت برای آنها بماند. البته مادیات انسان را از آن حالت بیرون می‌آورد؛ آن حالت گاهگاهی دست می‌دهد. لذت معنوی، یعنی آن حالات. آدمهایی که با خدا و هدفهای معنوی آشنا نیستند، طعم این لذت را نمی‌چشند. ای بسا انسانهایی که در سایه‌ی نامیارک نظامهای مادی عمری را گذرانده‌اند، اما یک لحظه‌ی آن حالت توجه به خدا و آن لذت معنوی را بیش نیامده است. آنها نمی‌فهمند من و شما چه می‌گوییم.

زندگیمان، نه فقط در محراب عبادت، بلکه حتی در محیط کار، در میدان جنگ، در حال درس، در حال خوردن و آشامیدن احساس کنیم. «خوش آنان که دائم در نمازن»، یعنی این، در حال کسب و کار هم با خدا، در حال خوردن و آشامیدن هم باز به یاد خدا. این‌گونه انسانی است که در محیط زندگی و در محیط عالم، از او نور برآکنده می‌شود. اگر دنیا بتواند این‌طور انسانهایی را تربیت کند، رسیه این جنگها و ظلمها و نابرابریها و پلیدیها و رجسها کنده خواهد شد. این، حیات طبیه است. بس، حیات طبیه معناش این نیست که کسانی فقط نماز بخوانند، عبادت کنند و اصلاً به فکر زندگی و مادیات نباشند؛ نه، حیات طبیه، یعنی دنیا و آخرت را با هم داشتن. یات طبیه، یعنی آن ملتی که تلاش می‌کند، سازندگی می‌کند، صنعت و بازرگانی و کشاورزی را به اوج می‌رساند، قدرت علمی و تکنیکی بیدا می‌نماید، پیشرفت‌های گوناگون در همه جهت به دست می‌آورد؛ اما در همه‌ی این حالات، دل او هم با خاست و روزبه روز هم با خدا آشناز می‌شود. این، هدف نظام اسلامی است. این، آن هدفی است که پیامبران اعلام کردند، مصلحان عالم گفتند و در این صدوبینجاه تا دویست سال گذشته، شخصیت‌های برجسته اسلامی آن را اعلام کردند. دشمنان اسلام فوimidه‌اند که آنچه در آستین و جنته اسلام است، چیست و از آن ترسیده‌اند. اگر می‌بینید با اسلام مبارزه می‌کنند، برای این است که می‌اند اگر اسلام با دست باز مشغول سازندگی انسانها بشود و افراد و جوامع انسانی را بسازند، دیگر برای حنای تمدنها و قدرت‌های مادی، رنگی باقی نخواهد ماند. با جمهوری اسلامی هم به همین دلیل مبارزه می‌کنند. جمهوری اسلامی، بترجم قرآن و اسلام را بلند کرد. انقلاب و امام و ملت ما از اول اعلام کردند و گفتند که ما آن مردمی نیستیم که دنیا و آخرت را از هم جدا کنیم؛ آنچنانی که دشمنان دین همیشه گفته‌اند و ترویج کرده‌اند که دنیا و آخرت از هم جداست. خیر، دنیا با آخرت یکی است و از آن غیرقابل تفکیک است. چنین دنیایی، وظیفه‌ی دینی است. این را از اول، اسلام و انقلاب و امام و ملت گفته‌ند.

سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضاع / ۱۳۷۰/۰۱/۲۹

برادران و خواهان! ای ملت بزرگ! - که این مبالغه نیست؛ شما حقیقتاً ملت بزرگ و عظیم الشان و بی‌نظیر و با کمنظری هستید. راه شما برای رسیدن به حیات طبیه - یعنی آنجایی که هم زندگی مادی تامین است؛ آسایش تن، و هم زندگی معنوی؛ آسایش روح و شادی دل و صفاتی معنا - راه روشنی است؛ اما تلاش و وحدت و ایمان و فعالیت و عمل لازم دارد، که بحمد الله دارید و باید افزایش بدھید. کار کنید، وحدت را حفظ کنید، یاد خدا را در دلها نگهدارید، به هم برسید، دلهایتان را با هم صاف کنید، با هم مهربان باشید، از یکدیگر کینه به دل نگیرید، انگیزه‌های کوچک شما را از هم جدا نکند، که بحمد الله نکرده است و نخواهد کرد؛ اگرچه دشمن این را می‌خواهد. اگر با این روحیه، با این ایمان، با این قدم صادق حرکت کنید، جمهوری اسلامی به اوج قله‌ی حیات طبیه که خدا وعده داده است، خواهد رسید.

یام به حجاج سنت‌الله‌الحرام / ۱۳۷۰/۰۲/۲۶

پیامبر عظیم الشان با یاران مخلص خود، سیزده سال همه‌ی سختیها را به جان خربزدند و موارتها را تحمل کردند، تا نهال اسلام ریشه دوانید. و در اینجا بود که پس از سالهای مصیبت‌بار زندگی در شعب ابی طالب، پس از شکنجه‌ی یارانی چون بلال و عمار و یاسر و سمية و عبداللہ مسعود و دیگران، پس از راهیمایی طولانی و پرمشقت و بی‌نظیری هستید. راه شما حافظت اسلامی تشکیل شد. در حد (علی‌الله‌علیه‌واله) در میان قبایل مکه و طائف، بیعت عقیه با اهل بتر واقع شد و هجرت پیربرکت به مدینه‌الرسول (علی‌الله‌علیه‌واله) پیش آمد و دولت اسلامی تشکیل شد. در این‌جا بود که پیروزی بدر و شکست احمد و محتن خندق و آزمایش حدبیه اتفاق افتاد. این‌جا بود که اخلاص و جهاد پیروزی آفرید، و مالدوستی و غنیمت‌طلبی ناکامی آورد. این‌جا آیه‌ی قرآن نازل شد و خشت‌خشست بنای فرهنگ و تمدن و حیات طبیه اسلامی، کار گذاشته شد. مسلمانان با تذری در این گذشته و زیستن در لحظه‌ی آن، با آینده نیز بیوندی سازنده می‌باید، راه زندگی و هدف آن را می‌ستاند، به خطوط راه پی می‌برد، فردای این حرکت را بالمعایه می‌بیند و خود را برای پیمودن آن آماده می‌سازد و بر تردید ناشی از احساس ضعف و حقارت و ترس از دشمن فائق می‌آید؛ این همه، از برکات حج است.

یام به اولین اخلاص سالیانه اقامه‌ی نماز در مشهد مقدس / ۱۳۷۰/۰۷/۱۵

حیات طبیه‌ی انسان در سایه‌ی حاکمیت دین خدا وقتی حاصل خواهد شد که انسانها دل خود را باید خدا زنده نگهدازند و به کمک آن بتوانند با همه‌ی جاذبه‌های شر و فساد مبارزه کنند و همه‌ی بتها را بشکنند و دست تطاول همه‌ی شیطانهای درونی و برونی را از وجود خود قطع کنند. این ذکر و حضور دایمی، فقط به برکت نماز حاصل می‌شود؛ و نماز درحقیقت پشتونهایی مستحکم و ذخیره‌یی تمام‌نشدندی در مبارزه‌یی است که آدمی با شیطان نفس خود که او را به پستی و زیونی می‌شد، و شیطانهای قدرت که با زر و زور او را وادار به دلت و تسليم می‌کنند، همیشه و در همه حال دارد.

بيان در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۷۰/۱۲/۱۲

این‌که بر اساس تعالیم و ارزشیای الهی جامعه‌ی تشکیل بشود و بک حکومت و قدرت سیاسی به وجود باید، خود یکی از معجزات اسلام است که در این زمان اتفاق افتاد و ملت شجاع ما پیش‌ست سر امام بزرگار و عظیم الشان توانست این واقعیت را تحقق بخشد و معلوم شد که بحمد الله این سرآغازی برای بک حرکت عظیم جهانی است؛ همچنان‌که مشاهده می‌شود که اول انقلاب تا امروز، در همه‌ی مناطقی که مسلمانان زندگی می‌کنند، احساسات اسلامی و ایمان اسلامی و شوق به زندگی و حیات اسلامی روزبه روز افزایش پیدا کرده است. حوداث دنیا را ملاحظه می‌کنید؛ کشورهای اسلامی شاهد حرکتهای مردمی با نام اسلام و با گرایش اسلامی هستند؛ و این بی‌شک از برکات تشکیل حکومت اسلامی در این نقطه از عالم است. در داخل کشور هم خدای متعال در مقاطعه مختلف به این ملت و برگردان آن توفیق داده که راه را آنچنان برond که به سمت زندگی و حیات طبیه‌ی اسلامی حرکت کنند.

یام به مناسبت بیرونی ملت مبارز و مسلمان افغانستان / ۱۳۷۱/۰۲/۱۳

به ملت عظیم الشان ایران، که در تمام مدت مبارزات افغانستان در کنار آن ملت برادر بوده و در غم و رنج آنان شرکت جسته و با آغوش باز، آنان را در میهن اسلامی پذیرفته است، و به امت بزرگ اسلامی که از مصائب این عضو خون‌آلود خود رنج کشیده است، نجات کشور و ملت افغان را از جنگ‌گیانگان و بیگانه‌پرستان، تبریک می‌گویم، و به روح مطهر حضرت امام خمینی قدس‌سره که این روز را بیش‌بینی کرده و تا آخر عمر شریف خود در انتظار آن بود، درود می‌فرستم. اکنون بی‌شک دوران تازه‌ای در تاریخ افغانستان آغاز شده و زمینه برای نجات کامل آن کشور و آن ملت از آثار محتن‌بار گذشته، فراهم آمده است. اینک ملت افغانستان و بخصوص عنصر فعال و مبارز و مسوولان محترم سیاسی آن کشور، در آغاز راهی دشوار و خطیر قرار دارند که فقط با توکل و اعتماد به خداوند متعال و تمسک به احکام الهی و تکیه به مردم و به کارگیری همه‌ی طرفیت و توان ملی و هشیاری در برایر توطنه و نفوذ دشمنان، خواهند توانست آن راه را با موفقیت طی کنند و انشالله به هدفهای والای آن، که حیات طبیه‌ی اسلامی و رشد و پیشرفت مادی و معنوی است، نائل آیند.

یام به جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت تشکیل شورای سیاستگذاری حوزه / ۱۳۷۱/۰۸/۲۴

تشکیل نظام اسلامی، که داعیه‌دار تحقق مقررات اسلامی در همه‌ی صحنه‌های زندگی است، وظیفه‌ای استثنایی و بی‌سابقه بر دوش حوزه علمیه نهاده است؛ و آن تحقیق و تتفییح همه‌ی مباحث فقهی‌ای است که تدوین مقررات اسلامی برای اداره‌ی هر یک از بدنده‌های نظام اسلامی بدان نیازمند است. فقه اسلام، آن‌گاه که اداره‌ی زندگی فرد و جامعه را با آن گستردگی و پیچیدگی و تنوع - مطمح نظر می‌سازد، مباحثتی تاره و کیفیتی ویژه می‌باشد. و این، همان‌طور که نظام اسلامی را از نظر مقررات و جهنگیریوای مورد نیازش غنی می‌سازد، حوزه‌ی فقاهت را نیز جامعیت و غنا می‌بخشد. روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام الهی در همه‌ی شوون یک حکومت، و نظر به همه‌ی احکام فقهی با نگرش حکومتی - یعنی ملاحظه‌ی تأثیر هر حکمی از احکام، در تشکیل جامعه‌ی نمونه و حیات طبیه‌ی اسلامی - امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه‌ی فقه اسلامی است: که نظم علمی حوزه، امید برآمدن آن را زنده می‌دارد.

بيانات مقام معظم رهبری در دیدار «هیات دولت» در آغاز کار دوره دوم ریاست جمهوری آقای «هاشمی‌رفسنجانی» / ۱۳۷۲/۰۶/۰۳

آنچه برای بندۀ و شما آقایان که این توفیق را پیدا کرده‌ایم تا بتوانیم به مردم خدمت کیم، همیشه باید مطرح باشد، همین موضوع خدمت است. فرق جمهوری اسلامی با دیگر دستگاه‌هایی که مادی هستند و عمدتاً در زمینه‌ی مسائل انسانی، مبتنی بر یک فکر الهی نیستند، در همین یک نکته است که در جمهوری اسلامی، وزیر و مسؤول و رئیس جمهور و مدیر در هر سطحی که هست نیت اصلی‌اش این است که به مردم خدمت کند و به اشاعه‌ی فکر الهی و آن حیات طبیه و شایسته‌ای که خدای متعال برای انسانها مقرر فرموده است، کمک کند. اصل این است، برخورداری‌های شخصی، هدف نیست. مدیر، برای خودش کار نمی‌کند.

بيانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۳/۱۱/۲۸

من از دعاى شريف ابوجهزه‌ي ثمالي چند فقره برایتان عرض می‌کنم. اين دعاى طولاني، حالت مناجاتي عجیب دارد که در بخش سوم عرض خواهم کرد. و اما لابلاي اين مناجاتها، نيازهای واقعی انسان نهفته است. نيازهای واقعی آنهاي است که اين بزرگوار از خدای متعال می‌خواهد. مثلاً در فرازی از دعا، خطاب به قادر متعال، عرض می‌کند: "ارغد عيشي؟" زندگی مرا زندگی گوارابي قرار بده. "گوارا بودن زندگي، نه با پول، نه با قدرت و نه با داشتن زر و زور است. زيرا يك فرد، در عين برخورداری از همه‌ی این امکانات، ممکن است زندگی برایش گوارا نباشد. نگرانی‌ای دارد که زندگی برایش گوارا نیست. مشکل خانوادگی‌ای دارد که زندگی برایش گوارا نیست. اولادش مشکلی پیدا می‌کند - العیاذ بالله، يكی از فرزندان وی، اخلاق بدی دارد - دیگر زندگی برایش گوارا نیست. خبر بدی به انسان می‌رسد؛ زندگی بر او تلخ و ناگوار می‌شود. این انسان، هم پول دارد، هم قدرت دارد، هم امکانات دارد؛ همه چيز دارد؛ اما زندگی خیلی ساده‌ای دارد و در اتفاقی محقر، با عیال و فرزندش در عین تنگدستی گران زندگی می‌کند، زندگی‌اش گوارا تر از آن فرد همه چيزدار ثروتمند و قادرمند باشد.

ببینید حضرت سجاد، عليه‌الصلوة والسلام، چگونه نقطه‌ی اصلی را مورد توجه فرار می‌دهد. می‌گوید: "ارغد عيشي و اظهير مروتى؛" "زندگی امر را گوارا و جوانمردي ام را آشکار کن." ظاهرا معنای عبارت دوم این است که "میدانی به وجود آید، تا من در آن، صفت جوانمردی را به منصه‌ی بروز درآورم." نه، برای این‌که، اگر بخواهیم جوانمردی بروز پیدا کند، باید جوانمردی کنیم. صرف این‌که جوانمردی در درون انسان وجود داشته باشد، کافی نیست. انسان باید جوانمردی را به مرحله‌ی عمل برساند و نسبت به کسانی جوانمردی کند. این می‌شود "اظهر مروتى".

در ادامه می‌فرماید: "صلاح جمیع احوالی؛" "همه کارهای من و احوال مرا اصلاح کن. حال زندگی معمولی من و خانواده‌ام را اصلاح کن. حال شغلی را که دارم، اصلاح کن. همه‌ی خصوصیات مرا اصلاح کن." اصلاح هر امری، به حسب خودش، یک دعای کامل و جامع است. "و احعلنی من اطلت عمره و حسنت عمله و اتممت عليه نعمتك و رضیت عنہ و احییته حیوه طبیه." می‌گوید: "مرا از کسانی قرار بده که عمری طولانی توانم با عمل نیکو و همراه با نعمت کامل الهی و همراه با راضی پرورده‌گار و حیات طبیه دارند. آیا چیزی از این بهتر، وجود دارد؟"

بيانات مقام معظم رهبری در اولین روز ورود به ساری / ۱۳۷۲/۰۷/۲۲

انقلاب اسلامی به وجود آمد تا به ملت ایران، حیات طبیه بدهد. حیات طبیه، یعنی آن چیزی که قرآن می‌فرماید: «فلنجینه حیاه طبیه». این ثمره و هدف نهایی این انقلاب است. حیات طبیه، یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی و زندگی روزمره و رفاه و امنیت و دانش و سواد و عزت سیاسی و استقلال اقتصادی و رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسانهای مون و خداشناس و پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند. این حیات طبیه است.

بعضی جاهای دنیا رونق اقتصادی و رفاه مادی تا حدودی دارند. وقتی معنویت در جامعه وجود ندارد، رفاه اقتصادی هم فایده‌ای نمی‌بخشد؛ تبعیض را برطرف نمی‌نمد، عدالت اجتماعی به وجود نمی‌آورد، گرسنگی را ریشه‌کن نمی‌کند و فساد را از بین نمی‌برد. رونق اقتصادی که همه چیز یک کشور نیست. اگر خانواده‌ای پول داشته باشد، اما زن و شوهر در درون خانواده، با هم دائمًا دعوا کنند، زندگی در آن خانواده تلخ است. یا خانواده‌ای پول داشته باشد، اما امنیت در درون خانه نباشد، یا جوان آن خانواده معناد به هروثین باشد، این خانواده لذت پولداری را نمی‌برد.

یک جامعه هم مثل یک خانواده است. خانواده‌ای مثل امریکا را در نظر بگیرید! از لحاظ فعالیت اقتصادی، تولیداتشان بالاست. پیشرفت علمی آنها خوب است. کارخانه‌ایشان کار می‌کنند. به همه‌ی دنیا جنس صادر می‌کنند و درآمد کشور خوب است؛ اما آن ملت نمی‌تواند از آن پیشرفت اقتصادی یک بهره‌ی واقعی بگیرد. جرا؟ جون در آن کشور امنیت نیست، معنویت نیست و جوان در آن کشور نمی‌داند باید چه کار کند. لذا خودکشی و بزهکاری جوانان زیاد است؛ بجهه‌ها از سن دوازده، و سیزده سالگی آدمکشی را یاد می‌گیرند؛ خانواده‌ها متلاشی می‌شوند؛ زن و شوهر نمی‌توانند روی وجود یکدیگر حساب کنند. زن نمی‌تواند احساس کند که شوهر دارد، شوهر هم نمی‌تواند احساس کند که زن دارد! آنچا خانواده وجود ندارد.

ما روزی این حرفا را می‌گفیم؛ ولی امروز خود امریکایها می‌گویند: مجلاتشان می‌نویسند، روشنفکرانشان فریاد می‌کشند، سیاستمدارانشان یقه می‌درانند و می‌گویند معنویت از جامعه‌ی امریکایی گرفته شده است. چرا؟ به خاطر این‌که در آن دین و ایمان نیست. بله؛ رفاه اقتصادی تا حدودی هست؛ اما باز همان رفاه اقتصادی هم برای همه نیست. درآمد کلان آن کشور مخصوص عده‌ای است و بقیه از آن بهره‌ای ندارند.

این، آن جامعه‌ای است که مادیت دارد؛ اما معنویت ندارد. اسلام نمی‌خواهد این‌طور جامعه‌ای درست کند. اسلام نمی‌خواهد هم ماده و هم معنا، هم پول و رفاه، هم ایمان و معنویت، هم پیشرفت اقتصادی و هم شکوفایی اخلاقی و معنوی در جامعه باشد. این حیات طبیه اسلام است؛ «فلنجینه حیاه طبیه».

به جوانان توصیه می‌کنم نماز جماعت را، حضور در مساجد، اقامه‌ی مجالس دعا و تضرع و فهمیدن مفاهیم این دعاها را - که بفهمید با خدا چه می‌گویید و چه صحبت می‌کنید - جدی بگیرید. از یک طرف بازوان فعال و گام استوار در راه سازندگی علمی و عملی؛ از یک طرف دل خاشع و خاص در مقابل برودار و توجه و توسل به خدای معنال و استمداد از اولیای مطهر و معصومش؛ بخصوص حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواحنافاده. این خواهد توانست همان حیات طبیه‌ای را که قرآن وعده کرده است و انقلاب برای آن است، انشاالله برای شما مردم به ارمغان آورد.

پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج / ۱۳۷۶/۰۱/۲۱

قدرت ملی برای جوامع بشری، کلید همه‌ی کامیابیها و سیلیه‌ی لازم برای رسیدن افراد جامعه به حیات طبیه است. مقصود از قدرت ملی آن است که جامعه و کشور، از اخلاق، علم، ثروت، نظام سیاسی کارآمد و عزم و اراده‌ی عمومی برخوردار باشد. درست است که جوامع قدرتمند، اگر قادر هدایت و نظارت و اجرای عدالت باشند، همان ثروت و علم، آنان را به طیان خواهد کشانید و اخلاق و اراده‌ی آنان را زايل کرده، مسیر آنان را به سمت انحطاط رقم خواهد زد - همانطور که امرور در کشورهایی همچون امریکا و غیره، نشانه‌های آن دیده می‌شود - ولی فقدان آن تواناییها و اقتدارها، بلای انحطاط اخلاقی و سیاسی را بسی سریعتر بر جان کشورها می‌اندازد و دنیا و آخرت و علم و اخلاق و همه چیز را از ملنها می‌ستاند. از آن روست که تعالیم سیاسی و اجتماعی اسلام، همه در جهت آن است که ملل اسلامی به اقدار و سیاست علمی و اخلاقی و سیاسی و روحی و مادی دست یابند. و امروز همه‌ی همیاران هوشیار ملتهای جهان در صدند که از هر امکان و ذخیره‌یی که می‌تواند آنان را قادرمند کند، بهره گیرند.

بيانات مقام معظم رهبری در دیدار عمومی به مناسبت عید سعید فطر / ۱۳۷۷/۱۰/۲۸

در اسلام همه چیز مقدمه‌ی خودسازی انسان است. همه‌ی فرانس، احکام، تکالیف، واجبات، اختیاب از گاهان و نوافل و مستحبات و احکام اجتماعی و فردی، همه و همه مقدمه‌ی حیات طبیه است؛ مقدمه‌ی شدن انسان را روح انسانی است؛ مقدمه‌ی عروج انسان از عالم بهیمیت و حیوانیت و توحش است. اگر بشر تحیت تربیت الهی - که با اراده‌ی خود او قابل تحقق است - قرار گیرد، این حیات طبیه در نفس او به وجود خواهد آمد و محیط را هم طیب و ظاهر خواهد کرد و اگر این تربیت الهی نیاشد و عزم و اراده‌ای را که انسان برای پیمودن راه خدا با آن، احتیاج دارد از دست بدده و خود را در دست هواها و هوسهای بشری رها کند، در حد حیوانیت باقی خواهد بود و حیوانی خطرناکتر از حیوانهای دیگر خواهد شد. همانطور که در طول تاریخ انسانیت ملاحظه کرده‌اید، چه انسان صورتیابی با سیرت حیوانات پیدا شدند که افراد بشری را از سلوک در راه خدا باز داشتند. فرعونها، نمرودها و شیطانهای مجسم هم استعداد تکامل و ترقی داشتند. آنها هم اگر به خود می‌آمدند، فکر می‌کردند و به یاد جوهر انسانی خود می‌افتدند، می‌توانستند بیش بروند. خدای متعال به موسی در مواجهه‌ی با فرعون می‌فرماید: «فقولا له قولنا لعله یتذکر او بخشی». رعون هم این امکان را داشت که تذکر پیدا کند، به خود آید، یاد خدا را و باد گوهر انسانی خود را در درون خود زنده کند؛ اما طغیان نگذاشت. طغیان هوای نفس، طغیان دنیا طلبی، طغیان خودخواهیها، کبرها، طغیان روح بهیمیت در انسان، اینها مانع است.

بيان به حجاج سنت الله الحرام / ۱۳۷۷/۱۲/۲۸

حق، در آینه‌ی پر راز و رمز، و در آمیزه‌ی شکگفت‌آوری از شکوه و خاکساری، و اقتدار و فروتنی، و حرکت و تلاش درونی و برونی، نمادی از مبارزه و جهاد نفسانی و جهانی انسان مسلمان، در راه تحقق حیات طبیه انسانی را در برابر چشم آدمی می‌گذارد و حجگزار را به تمرین عملی وظائف بزرگ خود و دادر می‌سازد.

بيان نوروزی مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۸ / ۱۳۷۸/۰۱/۰۱

امروز ملت ایران در دنیا ملت عزیزی است و در درون خود احساس توانایی و اقتدار و عزت می‌کند. ملت ایران از تحقیر قدرت‌های بزرگ و طالم و سلطه‌گران خود را نجات داد. ملت ایران در مسیر ایجاد زندگی خوب و مطلوب و حیات طبیه قرار گرفت. البته این مسیر، به سرعت و بی‌مانع طی نمی‌شود؛ اما اگر ملت ایران و برگزیدگانش - یعنی مسوولان کشور - با همان خصوصیاتی که امام بزرگوار ما مظہر آن بود، یعنی فکر روشن و روش خردمندانه، سیسی اراده و تصمیم و عزم راسخ و قاطع و آنگاه خلقیات انسانی و والا و بالآخره تدین و تعبد و ایمان دینی و اعتقاد راسخ به ارزش‌های اسلامی و قرآنی - که این چهار خصوصیت ممتاز امام و راه امام بوده و انساالله خواهد بود - در همین مسیر حرکت کنند، ان الله به اهداف بزرگ خواهند رسید.

بيان به مناسبت آغاز به کار شوراهای اسلامی شهر و روستا / ۱۳۷۸/۰۲/۰۸

شوراهای شهری در فعالیتهای خود به مختصات «شهر اسلامی» توجه کرده و خدمات شهری را در جهت تامین این مقصود به کار گیرند و بخصوص به معماری و شهرسازی متناسب با حیات طبیه اسلامی بطور کامل توجه کنند. در شهر اسلامی، عدالت در تقسیم خدمات شهری، تامین آرامش روحی و امنیت معنوی، ظهور و اعتلای مظاہر اسلامی و انقلابی، عمران و آبادی و زیبایی، حفظ طبیعت و صفات طبیعی، همه با هم باید مورد توجه قرار گیرد.

بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در صحن حامع رضوی مشهد مقدس / ۱۳۷۸/۰۱/۰۲

نظام اسلامی به وعده‌ی قرآن کریم، مردم را به سمت حیات طبیه حرکت می‌دهد. آیه‌ی قرآن می‌فرماید: «من عمل صالحان من ذکر او انتی و هو مومن فلنحبینه حیاه طبیه». یات طبیه یعنی زندگی گوارا. یک ملت آن وقته زندگی گوارا دارد که احسان کند و بینند که دنیا و آخرت او بر طبق مصلحت او به پیش می‌رود و به سمت هدفهای او حرکت می‌کند؛ این زندگی گواراست؛ فقط هم «آخرت» نیست. آن ملتهایی که به زندگی دنیا چسبیده‌اند و موفق شده‌اند که زندگی دنیوی را به مراث بپسرفهی از کمال برسانند، لزما زندگی گوارا ندارند. زندگی گوارا وقتی است که رفاه مادی با عدالت، معنویت و اخلاق همراه شود. و این را فقط ادیان الهی می‌توانند برای بشر تامین کنند. از طرف دیگر، حیات طبیه و زندگی گوارا ریشه کنندگی اخروی بعد از مرگ مردم را آباد کنم، دنیا آنها هرچور شد، شد؛ این منطق اسلام نیست. منطق اسلام این است که زندگی جامعه‌ی اسلامی باید از موهاب الهی سرشمار شود و بشر با بهره‌مندی‌های مادی در زندگی خود، راه معنویت را گم نکند و درست حرکت کنند. اگر آن زندگی به وجود آمد، آن وقت در جامعه‌ی اسلامی بی‌عدالتی و تبعیض ریشه کن می‌شود؛ تجاوز به حقوق انسانها ریشه کن می‌شود؛ جنگها و برادرکشی‌ها از بین می‌رود؛ نامنی‌ها در زندگی بشر به صفر می‌رسد. انبیا برای این کار و مساعدة کردند: بزرگان برگزیده‌ی خداوند در تاریخ بشر، برای این جان دادند.

بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه / ۱۳۷۸/۰۲/۱۸

زمین، منبع منابع فراوان برای ایجاد حیات طبیه انسانی است؛ ما می‌خواهیم این را برای کشور خود تامین کنیم؛ ما می‌خواهیم به دستور اسلام عمل کنیم. آن‌جا که زمین آباد

اگر شما ملاحظه می‌کنید جوامعی عقب‌افتداده و فقیر هستند و گاهی زمینی که روی آن زندگی می‌کنند، منبع ثروت‌های عظیم است، اما خودشان لخت و گرسنه‌اند، بهخاطر این است که به این وظیفه عمل نشده است. در این عقب‌افتدادگی، دو چیز نقش داشته است: یکی غفلت‌ها و تبلی‌های خود آن ملت‌ها، و دیگر دخالت‌های مذیگرانه و سلطه‌جویانه قدرتها فرامیتی و بین‌المللی به صورت استعمار و انواع دخالت‌های فرهنگی و اقتصادی وغیره.

بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در احتمام نزد مردم رفسنجان / ۱۲۸۴/۰۲/۱۸

اسلام مردم خود را خوشبخت و سعادتمند می‌خواهد. این سعادت فقط با پول به دست نمی‌آید؛ فقط با ذکر و عبادت هم به دست نمی‌آید. حیات طبیه‌ی اسلامی، زندگی‌ی است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمزله‌های نهایی این راه، از زندگی دنیایی مردم عبور می‌کند. اسلام دنیای مردم را آباد می‌کند؛ منتها آبادی دنیا هدف نهایی نیست. هدف نهایی عبارت است از این‌که انسان‌ها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته و مناسب، از آسودگی و امیت اطراف، و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت کنند. حیات طبیه‌ی شامل اسلامی شامل دنیا و آخرت - هر دو - است. مساله این است که زندگی دنیوی - که به سمت اهداف الهی حرکت می‌کند - باید زندگانی حقیقی و راستین عادله را برای مردم تامین کند. در اسلام، عدالت مساله‌ی بسیار مهمی است. ارزشی که از نظر اسلام بهیچ‌وجه و در هیچ شرایطی مورد مناقشه قرار نمی‌گیرد، عدالت است. عدالت، هدف پیغمبران است؛ هدف انقلاب اسلامی هم بوده است. در سایه‌ی عدالت، زندگی مردم می‌تواند با رفاه و توسعه مادی به سمت اهداف معنوی هم حرکت کند.

بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان / ۱۲۸۴/۰۲/۱۹

جوان در ایران اسلامی کنونی ما - شاید در جاهای دیگر هم همین‌طور باشد؛ من نمی‌توانم از لحاظ علمی اطهار نظری بکنم؛ اما آن جزیی که به تجربه و شناخت از نزدیک به آن رسیده‌ام، در مورد جوان ایرانی کنونی ماست - آزووهایش خلاصه نمی‌شود در پیدا کردن خانه و همسر و شغل؛ این، همه‌ی آزووهای یک جوان نیست. بته اینها نیازهای یک جوان است و دوست دارد تامین شود؛ اما فرادر از این، آزووهای بزرگی هم به طور طبیعی در جوان ما وجود دارد؛ بخشی مربوط به طبیعت جوانی است - که آرمانگرایی در آن وجود دارد - بخشی مربوط به آزووهایی است که نظام جمهوری اسلامی برای ملت و آینده‌ی ما ترسیم کرده؛ بخی شاید بر اثر پیشرفت‌هایی است که تاکنون با تجربه به دست آمده؛ بخی هم بر اثر ناکامی‌هایی است که وجود دارد. جوان ما وقتی تعیض را در جامعه می‌بیند، آرزوی عدالت اجتماعی در دل او شعله می‌کشد. جوان ما وقتی فساد را در بخشی از دستگاه‌های مجموعه‌ی نظام مشاهده می‌کند، میل به مبارزه‌ی با فساد و آرمان ریشه‌کنی فساد در درون او شکل می‌گیرد و او را به حرکت و ادار می‌کند. به این دلایل، کمال‌جوبی و آرمان‌خواهی در جوانان ایران اسلامی ما وجود دارد.

جوان چه می‌خواهد؟ جوان ما مایل است در کشوری که خانه‌ی اوست، فقر و عقب‌افتدادگی و بدیختی نیاشد؛ امیت و عزت و افتخار وجود داشته باشد؛ صفا و محبت و روش‌بینی بر فضای زندگی حاکم باشد؛ میدان کار و تلاش و پیشرفت در برابر او باز باشد؛ احساس پوچی نکند؛ هدف روحی و معنوی و والایی که در دل هر انسانی هست، بتواند آن را اشباع کند. این یک ترسیم کلی از آرمان‌هایی است که قاعده‌تاکنون یک جوان ایرانی دارد.

این چیزهایی که عرض کردم، مجموعاً در اصطلاح فرقانی حیات طبیه است؛ «فلنجینه حیاه طبیه». حیات طبیه یعنی زندگی در رویه‌ی مادی و نیازهای جسمانی و همچنین در لایه‌ی نیازهای معنوی - چه علمی، چه عملی، چه روحی - پاسخگو باشد.

به واقعیت که نگاه می‌کنیم، با جوانها که برخورد می‌کنیم، گزارش‌ها را که مشاهده می‌کنیم، می‌بینیم با وجودی که آرمان‌گرایی در جوانهای ما موج می‌زند و بدون تردید وجود دارد، اما در عین حال مجموعه‌ی جوان کشور ما - که مجموعه‌ی بزرگی هم هست - همه در برابر احساس آرمان‌گرایی یک‌طور نیستند و یک‌طور فکر نمی‌کنند؛ بعضی دچار غفلتند، دچار روزمرگی‌اند، سرشان گرم مسائل روزمره است و پادشان نمی‌آید که آرمانی هم وجود دارد - از این قبیل جوانها شما دیده‌اید؛ بنده هم با این که بیرم، این‌گونه جوانها را سراغ دارم و می‌شناسم و دیده‌ام؛ نه فقط از صفحه‌ی تلویزیون، بلکه در واقعیت هم مشاهده کرده‌ام - یک دسته هم کسانی هستند که دغدغه دارند، اما مایوس و غمگین و افسرده‌اند؛ نگاهشان بدینسان است؛ می‌گویند نمی‌شود کاری کرد؛ لذا از خیر حیات طبیه می‌گذرند؛ اینها هم با این که دغدغه دارند و غافل نیستند، در نهایت به دام غفلت و روزمرگی می‌افتدند. از این قبیل هم شما دیده‌اید، بنده هم دیده‌ام، در جلسات جوانها و دانشجوها - که شما می‌دانید بنده از این جلسات دارم و کم هم نیست - انسان گاهی نشانه ای پاس و بدینی و نگاه منفی را می‌بیند؛ آقا! چه فایده‌ی دارد؟ نمی‌شود، فایده‌ی ندارد. البته در بعضی‌ها این احساس سطحی است، در بعضی‌ها هم این احساس عمیق است و تغییر دادن آن مشکل است.

بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) / ۱۲۸۴/۰۳/۱۴

می‌خواهیم در کنار حسم آرمیده‌ی امام بزرگوارمان، خطاب به روح مطهر و ملکوتی او بگوییم: «انا علی العهد الذي فارغناك عليه»؛ یعنی ما بر سر عهد، بایداریم. عهدی که با امام بزرگوارمان داریم، بیمان ادامه‌ی راه او و سعی و تلاش برای رسیدن به هدفهای اول است. ما امام را فقط برای افتخار کردن به نام او و کار او نمی‌خواهیم؛ امام را فقط می‌خواهیم زینت جمهوری اسلامی نمی‌دانیم. بالاتر و مهمتر از اینها این است که امام ما را به راهی هدایت کرد، هدفهایی را برای ما تعريف کرد، شاخصهایی را در میانه‌ی راه به ما معرفی کرد تا راه را گم نکنیم. فقط در صورت پیمودن این راه است که ما می‌توانیم به حیات طبیه برسیم و طعم آن را بچشمیم؛ یعنی می‌توانیم طمع قدرتها استکباری را قادر نداند - نه با تملق و می‌توانیم آرزوی دیرین پشت - یعنی عدالت - را تحقق بخسیم؛ می‌توانیم به تحقیر شدن ملت‌های مسلمان خانمه دهیم؛ می‌توانیم طمع قدرتها استکباری را بزرگ خداست، با اظهار ذلت - از خودمان قطع کنیم؛ می‌توانیم اخلاق و تقوی و ایمان را، هم در رفتار فردی خود، و هم در برنامه‌های کلان کشور حاکم کنیم؛ می‌توانیم آزادی را که نعمت بزرگ خداست، با همه‌ی برکاتی که در آن هست، به دست بیاوریم؛ اینها هدفهای امام است. حرکت امام و انقلاب امام و نظامی که او معمار آن بود، برای تحقق این هدفها به وجود آمده است. پس راه امام، راه ایمان و راه عدالت و راه عزت است. ما بیمان بسته‌ایم که این راه را ادامه دهیم و به توفیق الهی ادامه خواهیم داد. امام این راه را بروی ما باز کرد و این هدفها را برای ما تعریف کرد.

دیدار روسای سه قوه و مسئولان نظام / ۱۲۸۷/۰۶/۱۹

برادران و خواهاران عزیز! شماها مسئولین و کارگزاران این نظامید. نخبگان سیاسی و فرهنگی و اجتماعی این نظام، یا جمعی از نخبگان، اینجا جمع هستید؛ عمدۀ مسئولین کشور این اینجا جمع هستند. من و شما چرا در این نظام مشغول کار شدیم؟ آیا ما از اول به دنبال این بودیم که حکومتی تشکیل شود، دولتی به وجود بیاید، ما بشویم رئیس دولت، مسئول

دولت، وزیر دولت، وکیل دولت؟ مگر مقصود این بوده؟ نه. اگر مقصود این باشد، باید عرض کنم زحماتی که هر کدام از ما میکشیم - اگر با این نیت باشد - همه‌اش «هبانا منثورا»ست؛ بی‌ارزش است؛ بیش خدای متعال اجری ندارد؛ با زوال عمر زائل میشود، بلکه با زوال مدت مسئولیت زائل میشود. ما فرقمان با بقیه‌ی گروههای که در کشورهای مختلف می‌آیند یک رژیمی را تغییر میدهند، بر سر کار می‌آیند و قدرت را به دست میگیرند، این است که ما آمدیم برای اینکه یک جامعه‌ی اسلامی به وجود بیاوریم؛ ما آمدیم تا حیات طبیه‌ی اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان بازتولید کنیم؛ آن را تامین کنیم. و اگر بخواهیم با یک نگاه وسیعتر نگاه کنیم، چون بازتولید حیات طبیه‌ی اسلامی در کشور ما میتواند و میتوانست و میتواند همچنان الگویی برای دنیای اسلام شود، در واقع آمدیم برای اینکه دنیای اسلام را متوجه به این حقیقت و این شجره‌ی طبیه بکنیم؛ ما برای این آمدیم. هدف، جز این چیز دیگری نبود، الان هم هدف جز این چیز دیگری نیست.

